



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری، سال هشتم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰، شماره پیاپی ۱۴

## تحلیلی بر مؤلفه‌های تبیین‌کننده حس تعلق مکانی در محلات نوبنیاد شهری (مطالعه موردی: محله یاغچیان تبریز)

علیرضا سلطانی (استادیار گروه معماری و شهرسازی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران)

[dralirezasoltani16@gmail.com](mailto:dralirezasoltani16@gmail.com)

الهام حاتمی گلزاری (استادیار گروه معماری، مرکز سردرود، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران، نویسنده مسئول)

[e.hatami.g@sardroud-iau.ac.ir](mailto:e.hatami.g@sardroud-iau.ac.ir)

تاریخ تصویب: ۱۴۰۰/۰۹/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۱۱

صص ۳۷-۵۵

### چکیده

امروزه برنامه‌ریزی و توسعه شهری روندی پابین به بالا بوده که از مقیاس خرد یعنی محله شروع می‌شود و هدف اولیه آن، ایجاد مکان‌های (محلات) مطلوب برای زندگی از طریق پیوند انسان با مکان و به عبارتی ارتقای حس تعلق مکانی محسوب می‌گردد. در این راستا، با توجه به اهمیت برنامه‌ریزی و توسعه محله‌محور در دست‌یابی به توسعه شهری و نقش تأثیرگذار ارتباط و پیوند انسان با محلات و توسعه آن، هدف از تحقیق حاضر شناسایی مؤلفه‌های تبیین‌کننده حس تعلق مکانی در محلات نوبنیاد تبریز (محله یاغچیان) می‌باشد. روش تحقیق در مطالعه حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت توصیفی-تحلیلی می‌باشد که به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات از مدل حداقل مجذورات جزئی در نرم‌افزار Warp-PLS استفاده شده است. جامعه آماری تحقیق نیز ساکنان محله یاغچیان تبریز (حدود ۱۵۰۰۰ نفر) می‌باشد که حجم نمونه بر مبنای فرمول کوکران ۳۸۴ نفر برآورد گردیده و براساس فرمول اصلاح شده کوکران به تعداد ۳۴۰ نفر تقلیل یافته است. یافته‌های تحقیق بر مبنای مدل ساختاری حاکی از آن است که در محله مورد مطالعه مؤلفه‌های تبیین‌کننده حس تعلق مکانی در وهله اول تعلق کارکردی: انعطاف‌پذیری، آسایش و جذابیت به ترتیب با ارزش ۰/۶۵، ۰/۵۹ و ۰/۴۴، در وهله دوم تعلق حسی و عاطفی: سیمای بصری و اجتماع‌پذیری به ترتیب با ارزش ۰/۴۱ و ۰/۳۸ و در وهله سوم تعلق مفهومی: هویت و شخصیت مکان، خوانایی و قابلیت ادراک و تصور مکان به ترتیب با ارزش ۰/۳۲، ۰/۲۷ و ۰/۲۲ می‌باشند.

**کلیدواژه‌ها:** حس تعلق مکانی، محلات نوبنیاد، محله یاغچیان تبریز.

## ۱. مقدمه

مکان یک پدیده‌ی چندوجهی است که علاوه بر محیط فیزیکی، محیط اجتماعی و فرهنگی را نیز دربر دارد (کینگ<sup>۱</sup>، ۱۹۹۵، ص. ۷، ورتووک<sup>۲</sup>، ۲۰۰۹، ص. ۴۹). به عبارت دیگر مکان ترکیبی از فعالیت‌های انسانی (ارتباطات اجتماعی، احساسات، افکار، روابط اقتصادی و ...) در بستر کالبد و فضای آن می‌باشد (سرایبی و همکاران، ۱۳۹۵، ص. ۱۸ به نقل از استدمن<sup>۳</sup>، ۲۰۰۳، ص. ۶۷۳). با توجه به اهمیت مکان در زندگی انسانی، در چند دهه‌ی اخیر مطالعات مکان‌محور با معانی پیرامون در قالب شاخص‌های تعلق مکانی، حس مکان، هویت و اجتماع‌محور بودن (میچل<sup>۴</sup>، ۱۹۹۶، ص. ۱۲۸؛ مَسی<sup>۵</sup>، ۲۰۰۴، ص. ۶؛ ساویج<sup>۶</sup> و همکاران، ۲۰۰۵، ص. ۱۳؛ واتسون<sup>۷</sup>، ۲۰۰۶، ص. ۲۹؛ نوبل<sup>۸</sup> و پویتینگ<sup>۹</sup>، ۲۰۱۰، ص. ۴۹۰)، سهم بزرگی در عمق بخشیدن به دانش ارتباطات انسان و محیط ایفا کرده‌اند (رلف<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۹، ص. ۹؛ لویکا<sup>۱۱</sup>، ۲۰۱۱، ص. ۲۰۸). پیشرفت‌های تئوریک در بسط معنای "مکان" به آنجا رسیده است که انسان بودن نیز به معنای زیست در جهانی مملو از مکان‌ها دانسته شده است (مظلومی، ۱۳۸۹، ص. ۱۳۲ به نقل از رلف<sup>۱۱</sup>، ۱۹۷۶، ص. ۳۳)، که این امر ناشی از رابطه‌ی متقابل فضا و مکان با رفتار اجتماعی و هویت اجتماعی و مکان می‌باشد (امین<sup>۱۲</sup>، ۲۰۰۴، ص. ۳۴؛ مَسی<sup>۵</sup>، ۲۰۰۴، ص. ۸؛ رادیک<sup>۱۳</sup>، ۲۰۱۶، ص. ۴۳۳؛ ویلسون<sup>۱۴</sup>، ۲۰۱۶، ص. ۴۲). بنابراین در بررسی رابطه‌ی فعالیت‌های انسانی با مکان، سکونت رابطه‌ی پر معنا میان انسان و محیط است و در این راستا دو عامل فضا و احساس تعلق مکانی که برگرفته از خاطرات فردی و جمعی ساکنین است؛ عوامل و متغیرهای مهمی در شکل‌گیری این رابطه‌ی پر معنا در جهت دستیابی به هویت‌مند بودن ساختار مکان می‌باشند (ربانی، ۱۳۹۷، ص. ۳۷). از طرفی در بین مکان‌ها و فضاها، بیشترین حس تعلق به واحدهای خردتر آن یعنی محله‌ها مربوط می‌شود (وان<sup>۱۵</sup>، ۲۰۱۴، ص. ۱)، که به‌عنوان سلول‌های حیات و همچنین بستر سکونت، دارای نقش اساسی در زندگی ساکنان‌شان دارند (قاسمی و نگینی، ۱۳۸۹، ص. ۲۱). امروزه محلات جدید خارج از رعایت استانداردهای مربوط به شرایط بومی منطقه و تقویت هویت مکان احداث می‌گردند و علی‌رغم اینکه به‌عنوان کوچک‌ترین واحد تقسیمات شهر، در توسعه‌ی پایدار و برنامه‌ریزی برای شهر نقش مؤثری داشته و هسته‌های اصلی زندگی شهری به‌شمار می‌روند، ولی با

1. King
2. Vertovec
3. Stedman
4. Mitchell
5. Massey
6. Savage
7. Watson
8. Noble and Poynting
9. Relph
10. Lewicka
11. Relph
12. Amin
13. Radice
14. Wilson
15. Wan

این وجود، در نظام رسمی برنامه‌ریزی فضایی جایگاهی ندارند. چنانچه برنامه‌ریزی و طراحی محلات جدید شهری صرفاً معیارهای کالبدی (بدون هویت مکانی) و ایجاد محلی برای سکونت را مدنظر قرار داده است، درحالی‌که، در برنامه‌ریزی و طراحی آنها بایستی تلفیقی از معیارهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و کالبدی مورد استفاده قرار گیرد. این امر از یک سو موجبات افزایش حس تعلق مکانی در ساکنان گردیده و از سوی دیگر توسعه‌ی محله و به تبع آن توسعه‌ی شهر را فراهم خواهد آورد. بنابراین بایستی هدف از برنامه‌ریزی محلات شهری، ایجاد مکان‌های مطلوب برای زندگی، درنظر گرفتن ابعاد و معیارهای مختلف در طراحی و ارتقای حس و تعلق مکانی در ساکنان باشد.

از این‌رو هدف از تحقیق حاضر بررسی مؤلفه‌های تبیین‌کننده‌ی حس تعلق مکانی در محلات نوین‌یاد می‌باشد. باتوجه به اینکه محله یاغچیان محله نوین‌یادی است اما از نظر سیستم شبکه ارتباطی دسترسی پیاده و امکانات و خدمات محله ای با مشکلات زیادی روبرو است که باعث عدم حس تعلق مکانی در ساکنین می‌شود، با توجه به اینکه تحقق حس تعلق مکانی در محله یاغچیان که یک محله نوین‌یاد است می‌تواند با بهره‌گیری از سرمایه‌های انسانی و مشارکت مردمی همراه با همکاری سازمانهای ذی ربط، به‌عنوان راهکاری در جهت دستیابی به پایداری محله باشد؛

محله به فضای مشخص اشاره دارد که درون واحدهای فضایی بزرگتر تقسیم شده‌اند (عزیزی، ۱۳۸۵، ص. ۳۶). واژه "محله" یک مفهوم معروف در تاریخ توسعه شهرنشینی را توصیف می‌کند. تعاریفی که عموماً مورد استفاده قرار می‌گیرند از "محله" مانند "یک جامعه محلی جغرافیایی واقع در یک شهر یا حومه بزرگ‌تر" یا "یک منطقه جداگانه قابل شناسایی در یک جامعه با حفظ کیفیت یا شخصیتی که آن را از مناطق دیگر متمایز می‌کند" یا "منطقه‌ای که در آن ساکنان با منافع مشترک و سودمند کنار هم قرار می‌گیرند" وجود دارد. (بتزنهاوسر<sup>۱</sup> و پوکتات<sup>۲</sup>، ۲۰۱۹) مفهوم محله از اواخر قرن ۱۹ میلادی به عنوان یک موضوع تحقیقاتی مورد توجه اندیشمندان، جامعه‌شناسان و برنامه‌ریزان شهری و طراحان بوده است. (سراکوچ<sup>۳</sup>، ۲۰۱۹) از دیدگاه برنامه‌ریزی شهری، مدیران شهری شروع به طراحی و توسعه محله‌های زیست پذیر و سازگار با محیط‌زیست از اوایل قرن بیستم کردند. (میس<sup>۴</sup> و توودور-جوز<sup>۵</sup>، ۲۰۱۷). از طرفی تعاریف محله، بیش از آن گسترده است که بتوان آن را در گروه‌ها و دسته‌بندی‌های محدود جای داد اما آنچه مشخص است این است که در هر فضایی که بتوان آن را محله نامید، دو چیز باید وجود داشته باشد؛ اول، فضا و مکان‌های موجود در آن که مسکونی بوده و عده‌ای در آن اقامت می‌کنند و دوم، فضای اجتماعی و انتظامی که روابط، مرزها و شبکه‌های اجتماعی را در خود جای می‌دهد (آذری، ۱۳۸۹، ص. ۳۸).

1. Betzenhauser
2. Pauketat
3. Serra Coch
4. Mace
5. Tewdwr-Jones

مکان فضایی است که برای فرد یا گروهی از مردم واجد معنی باشد. (یزدانی و همکاران، ۱۳۹۸، ص. ۱۷) انسان با شناخت مکان می‌تواند به شناخت خود نائل شود. براساس «مدل کانتر<sup>۱</sup>» مکان، بخشی از فضای ساخته‌شده یا فضای طبیعی است که نتیجه‌ی روابط متقابل سه عامل: ۱. رفتار انسانی ۲. معانی و مفاهیم ۳. مشخصات کالبدی و متمایز بودن از یک‌سو و ثابت و پایدار ماندن و به جمع تعلق داشتن از سوی دیگر است. در این بین حس تعلق به مکان به‌منظور بهره‌مندی و تدأوم حضور انسان در مکان نقش تعیین‌کننده‌ای می‌یابد، این حس به پیوند فرد با مکان منجر شده و در آن انسان خود را جزئی از مکان می‌داند (سرمست، ۱۳۸۹، ص. ۱۳۷). همچنین حس تعلق مکانی جنبه‌ای ذهنی از رابطه‌ی میان انسان و مکان و به عبارتی نشان‌دهنده‌ی رابطه‌ی عاطفی شخص با مکان می‌باشد (مادگین<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۱۶، ص. ۶۷۷؛ لی<sup>۳</sup> و شن<sup>۴</sup>، ۲۰۱۳، ص. ۷۸). تعلق به مکان سطح بالاتری از حس مکان است که به منظور بهره‌مندی و تدأوم حضور انسان در مکان نقش تعیین‌کننده‌ای می‌یابد. (کاملی و عظمتی، ۱۴۰۰) بنابراین می‌توان گفت حس تعلق به مکان در پیوند عملکردی بین مردم و مکانهایی که به عنوان وابستگی به مکان توصیف می‌شوند. از این رو تعداد دفعات بازدید از یک مکان و جاذبه‌های مکان در طول روز منجر به افزایش و ارتقا حس تعلق به مکان می‌گردد. (میرزامحمدی، باقرزاده کثیری، زینالی عظیم، ۱۳۹۸). براساس مفاهیم و دیدگاه‌های مطرح‌شده در راستای حس تعلق مکانی می‌توان گفت که مؤلفه‌های حس تعلق مکانی به سه بخش تعلق کارکردی، تعلق عاطفی و تعلق مفهومی قابل تقسیم می‌باشد (دانش‌پایه و حبیب، ۱۳۹۶، ص. ۲۱). افزایش حس تعلق مکانی نمودی از تغییر وابستگی کارکردی به مکان در ساکنان به وابستگی عاطفی است. این امر موجب افزایش ماندگاری ساکنان در مکان گردیده و به تبع آن پیشرفت و توسعه‌ی مکان را ممکن می‌سازد (حاتمی گلزاری و همکاران، ۱۳۹۹، ص. ۱۸۰-۱۷۳).

بر مبنای چارچوب نظری تحقیق می‌توان گفت که شکل‌گیری حس و تعلق مکانی ناشی از تحقق معیارهایی همچون تعلق مفهومی، تعلق عاطفی و تعلق کارکردی می‌باشد. در ادامه مهمترین پژوهش‌های مرتبط با موضوع پژوهش حاضر ارائه می‌گردد:

بصیری، زینالی عظیم و آذر (۱۳۹۹)، تحلیل عوامل و مؤلفه‌های حس تعلق به مکان در محلات قدیمی شهر تبریز محله اهراب تبریز، نتایج نشان داد که گذر زمان با بار عاملی ۰/۹۶ بیشترین تاثیر را در حس تعلق به مکان در محله اهراب دارد. پس از آن به ترتیب خوانایی و دسترسی، غنای بصری، مبلمان و تجهیزات، احساسی، کیفیت فضایی، تعاملات اجتماعی، زیبایی و نمادها و هویت قرار دارند. عنانهاد و همکاران (۱۳۹۸) سنجش حس تعلق به مکان و حفظ هویت واحدهای مسکونی در محله‌های شهری، محله‌ی قدیمی ساغری سازان رشت، ارزیابی نتایج تحقیق حاکی از وابستگی معنادار ساکنین در واحدهای مسکونی قدیمی، نسبت به آپارتمان‌سازی‌های جدید در محله‌ی

1. Counter
2. Madgin
3. Lee
4. Shen

ساغری سازان است. حسین‌آبادی و همکاران (۱۳۹۸)، هویت مکانی و عوامل مؤثر بر آن در محلات قدیمی، محله‌ی کلاه فرنگی سبزوار، نتایج نشان می‌دهد به‌جز مؤلفه‌ی ارزیابی بیرونی، سایر مؤلفه‌های هویت مکانی در سطح مناسبی قرار دارد و برخلاف تغییراتی که در بافت فیزیکی محله‌ی کلاه فرنگی به‌وجود آمده است، ساکنان این محله همچنان احساس هویت مکانی نسبتاً زیادی را تجربه می‌کنند. بزی و همکاران، (۱۳۹۸)، بررسی مقایسه‌ای حس تعلق به مکان در محلات شهر خرم‌آباد، نتایج این پژوهش حاکی از آن است که عواملی از قبیل قدمت مکان، وجهه‌ی مکان، دسترسی به خدمات در مکان، پوشش گیاهی، نمای خیابان‌ها، بافت مکان، وجود و یا نزدیکی اماکن تفریحی و گذران اوقات فراغت در مکان همه از عواملی هستند که بر حس تعلق به مکان شهروندان خرم‌آبادی تأثیرگذار بوده‌اند. سنفورد<sup>۱</sup> (۲۰۱۳) بررسی مکان‌های آینده و تعلق مکانی در آنها، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که مکان‌های آینده و تعلق به آنها تحت تأثیر دو عامل مادی و اجتماعی خواهد بود که هر کدام به‌نحوی در مواردی باعث افزایش و در مواردی دیگر باعث کاهش تعلق مکانی خواهند گردید. غزیمی<sup>۲</sup> (۲۰۱۴)، بررسی حس مکانی و هویت مکانی پرداخته، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که هویت و حس مکان برگرفته از هویت اجتماعی و تعلق فرد به گروه‌های اجتماعی و ارزش‌ها و احساساتی است که به خاطر سکونت در مکان به او منتقل می‌شود. کوهن<sup>۳</sup> (۲۰۱۷)، بررسی تحولات مکانی تحت سه عامل ارتباطات، گذشته و تعلق، در این مطالعه اشاره شده است که تحولات یک مکان تحت تأثیر فرهنگ جهانی، گذشته‌ی مکان و ارتباطات اجتماعی بوده و زمانی که این سه عامل همسو باهم در مکان عینیت یابند، تعلق مکانی شکل خواهد گرفت. گورگیل<sup>۴</sup> و همکاران (۲۰۱۷)، حس مکان یا تعلق مکانی، الگوها و دستورالعمل‌های فضاهای باز انسان‌محور در چین، از جمله راهکارهای ارائه‌شده در این پژوهش در راستای ارتقای حس مکان و تعلق مکانی، بهره‌گیری از هنرمندان و مبتکران کارآزموده و برنامه‌های اجتماعی مختلف در راستای هم‌پیوندی فرایندهای عمومی این فضاها در بین نسل‌های مختلف می‌باشد. چنانچه در مطالعات و پژوهش‌های پیشین حس تعلق مکانی در هر کدام از ابعاد (مفهومی، عاطفی و کارکردی) مورد بررسی قرار گرفته است و اکثراً هدف از آنها مطالعه‌ی بافت‌ها و محله‌های قدیمی شهرها بوده است. درحالی‌که محلات قدیمی با توجه به ساختار سنتی خود و همچنین معیارهای فرهنگی-اجتماعی حاکم بر سازمان اجتماعی آنها دارای تعلق مکانی مناسبی می‌باشند و این بافت‌های جدید هستند که عدم تحقق شاخصه‌های تعلق مکانی موجب بی‌توجهی ساکنان به آینده‌ی محلات و عدم توسعه‌ی آنها خواهد گردید. در خصوص تحقیقات صورت گرفته در زمینه‌ی حس مکان، حس تعلق و دلبستگی مکانی باید گفت تا پیش از دهه‌ی ۷۰ میلادی و در مطالعات انجام شده در زمینه‌ی رابطه‌ی انسان و محیط عملاً به انگاره‌ی تعلق و دلبستگی به مکان توجه نشده، اما پس از آن تحقیقات متعددی در این زمینه انجام شده است (دانش‌پایه و حبیب، ۱۳۹۶، ص. ۱۹)؛ تحقیقاتی که هر کدام به بخشی از مفهوم حس تعلق مکانی (تعلق مفهومی،

1. Sandford
2. Qazimi
3. Cohen
4. Gorgul

کارکردی و عاطفی) پرداخته‌اند. بنابراین با توجه به پیشینه‌ی مطالعاتی، نوآوری پژوهش حاضر بررسی جامع تعلق مکانی در ابعاد سه‌گانه (تعلق کارکردی، تعلق عاطفی و تعلق مفهومی) در محلات نوین‌باد (محله‌ی یاغچیان تبریز) می‌باشد.

بنابراین ضرورت تحقیق ایجاب می‌کند که حس تعلق مکانی در بافت‌ها و محلات نوین‌باد شهری مورد بررسی قرار گرفته و سیاست‌های متناسب در راستای ارتقای این حس و توسعه‌ی محلات مدنظر قرار گیرد. بر این اساس تحقیق حاضر در پی پاسخگویی به این سؤال می‌باشد که مهمترین عوامل تبیین‌کننده‌ی حس تعلق مکانی در محلات نوین‌باد تبریز (محله‌ی یاغچیان) کدامند؟

## ۲. متدولوژی

### ۲.۱. روش پژوهش

با توجه به اینکه تحقیق حاضر به دنبال توسعه‌ی دانش در راستای عوامل تبیین‌کننده‌ی حس تعلق مکانی در محلات نوین‌باد تبریز بوده است، بنابراین روش تحقیق از نظر نوع کاربردی و از نظر ماهیت توصیفی-تحلیلی می‌باشد. در راستای تجزیه و تحلیل اطلاعات تحقیق نیز از مدل حداقل مجذورات جزئی در نرم‌افزار Warp-PLS و آزمون پیرسون استفاده شده است. همچنین جامعه‌ی آماری تحقیق، ساکنان محله‌ی نوین‌باد یاغچیان تبریز (حدود ۱۵۰۰۰۰ نفر) بوده که در خصوص تعیین حجم نمونه هم از قواعد خاص روش حداقل مربعات جزئی (مدل استفاده‌شده در این تحقیق) پیروی شده است، به‌گونه‌ای که حجم نمونه مورد نیاز در مدلسازی روش حداقل مربعات جزئی به‌طور قابل ملاحظه‌ای کوچکتر از روش معادلات ساختاری مبتنی بر کواریانس است. در این روش که یکی از جدیدترین قواعد انتخاب حجم نمونه را دارد قواعدی را پیشنهاد می‌کند که حجم نمونه باید برابر یا بزرگتر از این موارد باشد: برابر یا بزرگتر از تعداد شاخص‌های سازه‌ای که دارای بیشترین تعداد معرف‌های ترکیبی است (شاخص‌های سازه‌ای در این تحقیق ۱۸ شاخص پنهان و ۸ شاخص آشکار می‌باشد که حجم نمونه به‌مراتب بیشتر می‌باشد)؛ ده برابر بیشترین تعداد مسیرهای ساختاری که به یک سازه‌ی خاص در مدل مسیری داخلی ختم می‌شود (در این تحقیق بیشترین مسیرها به سمت حس تعلق مکانی از طریق عوامل تبیین‌کننده بوده که شامل ۸ مسیر مستقیم و ۱۸ مسیر غیرمستقیم می‌باشد، بنابراین مجموع آنها ۲۶ مسیر بوده و حجم نمونه بیشتر از ۱۰ برابر این مسیرها می‌باشد) (هنسلر و همکاران، ۲۰۰۹: ۲۸۸). با توجه به قاعده‌ی مدل حداقل مربعات جزئی و با توجه به این نکته که ممکن است تعدادی از پرسشنامه‌های جمع‌آوری شده دارای داده‌های ناهمگون و غیرقابل اعتماد باشند، حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۳۸۴ به‌دست آمده که با استفاده از فرمول اصلاح شده‌ی کوکران به تعداد ۳۴۰ تقلیل یافته است. در این تحقیق روش نمونه‌گیری براساس الگوی تصادفی ساده می‌باشد.

روش حداقل مجذورات جزئی به‌عنوان یکی از آخرین دستاوردهای آماردانان برای آزمون و برآورد روابط علی، از ترکیب داده‌های آماری و مفروضات علی کیفی بهره می‌برد. این تکنیک اجرای همزمان مدلسازی اکتشافی و تأییدی را برای پژوهشگران میسر می‌سازد. یعنی برای آزمون نظریات و تکوین نظریات مناسب دارد. در این روش، تحلیل و تفسیر مدل ساختاری و مدل اندازه‌گیری مورد بحث می‌باشد.

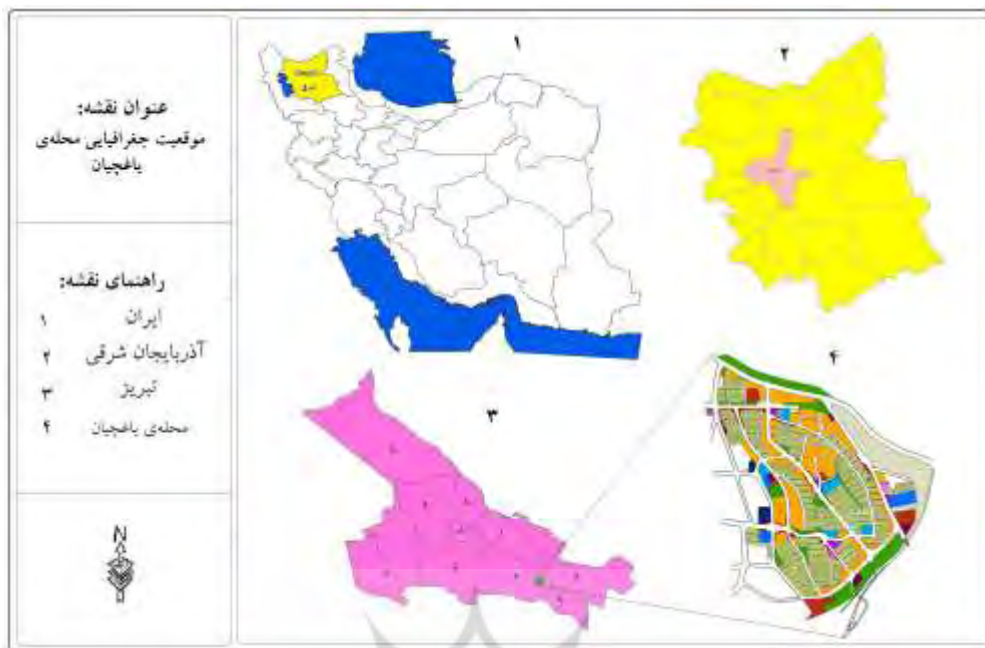
**تحلیل و تفسیر مدل ساختاری:** یک مدل معادلات ساختاری که از روش حداقل مربعات جزئی (PLS) در حل آن استفاده شده است، می‌بایست در دو مرحله تحلیل و تفسیر شود. ابتدا مدل اندازه‌گیری و سپس مدل ساختاری مورد تحلیل و تفسیر قرار خواهد گرفت. منظور از بررسی مدل اندازه‌گیری، بررسی وزن‌ها و بارهای متغیرهای مکنون و منظور از بررسی مدل ساختاری بررسی ضرایب مسیر میان متغیرهای مکنون است.

**تحلیل مدل اندازه‌گیری:** در این مرحله، تعیین می‌شود که آیا مفاهیم نظری به درستی توسط متغیرهای مشاهده شده اندازه‌گیری شده‌اند یا خیر. بدین منظور روایی و پایایی آن‌ها بررسی می‌شود. در یک مدل PLS، پایایی هر یک از شاخص‌های متغیرهای مکنون (سازه‌ها)، سازگار درونی (پایایی سازه) و همچنین روایی همگرا و روایی افتراقی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

حجم نمونه اندک بهترین دلیل استفاده از PLS در این تحقیق نسبت به روشهای دیگر بوده است. روش‌های نسل اول مدل سازی معادلات ساختاری که با نرم افزارهایی نظیر EQS، LISREL و AMOS اجرا می‌شدند، نیاز به تعداد نمونه زیاد دارند، در حالی که PLS (پی ال اس) توان اجرای مدل با تعداد نمونه خیلی کم را دارا می‌باشد. یک مزیت مهم دیگر امکان استفاده از مدل‌های اندازه‌گیری با یک شاخص (سوال) در روش PLS-SEM می‌باشد. این روش امکان را داده که در مدل پژوهشی خود از مدل‌های اندازه‌گیری با یک سوال استفاده کنیم.

## ۲.۲. محدوده مورد مطالعه

در تحقیق حاضر بررسی مؤلفه‌های تبیین‌کننده‌ی حس تعلق مکانی در محلات نوین‌باد انجام شده است که محله‌ی یاغچیان تبریز (وسعت این محله ۱۲۵ هکتار بوده و احداث آن از سال ۱۳۷۶ شروع شده است) مورد بررسی قرار گرفته است تا بدین وسیله با شناخت حس تعلق مکانی در میان ساکنین و عوامل مؤثر بر آن، سیاست‌های متناسب با محله در راستای ارتقای حس تعلق به مکان و توسعه‌ی آن ارائه گردد.



شکل ۱. موقعیت جغرافیایی محله یاغچیان

۲. ۳. شاخص‌ها و متغیرهای پژوهش

با توجه مشکلات موجود در محله یاغچیان و بررسی های میدانی شکل گرفته، تحلیل مولفه های زیر از سایر مولفه های حس تعلق مکانی در محدوده مورد پژوهش بیشتر احساس شد و این مولفه ها بصورت متغیرهای تحقیق حاضر به شرح جدول شماره ۱ می باشد.

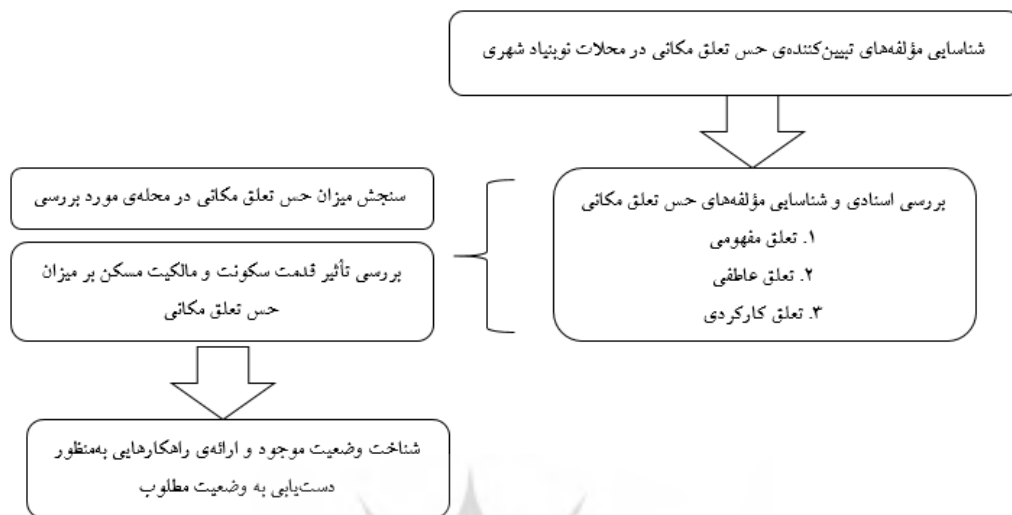
جدول ۱. متغیرهای تحقیق و کدبندی آنها

مؤلفه های اصلی حس تعلق مکانی (SB)	مؤلفه های فرعی
هویت و شخصیت مکان (ICP)	منحصربه فرد بودن محله Q1، متمایز بودن با سایر محلات Q2
خوانایی (R)	وجود نشانه ها و نمادها در محله Q3، آشنا بودن فضا برای ساکنان Q4
آسایش (C)	احساس راحتی و آرامش Q5، ایمنی و امنیت Q6
جذابیت (A)	بهره گیری از مبلمان و تسهیلات شهری Q7، قابلیت ایجاد نشاط و سرزندگی Q8
قابلیت ادراک و تصور مکان (PPP)	خاطره انگیزی (قابلیت خاطره ساز بودن مکان) Q9، قابلیت تداعی معانی Q10
سیمای بصری (VA)	پاکیزگی محله Q11، کیفیت مناسب چشم اندازها (فضاهای سبز و الگوهای معماری) Q12
اجتماع پذیری (S)	وجود فضاهایی برای تعاملات اجتماعی Q13، میزان صمیمیت افراد با یکدیگر Q14، مشارکت در فعالیتهای گروهی مربوط به محله Q15
انعطاف پذیری (F)	ترکیب فضاها و عملکردهای متنوع Q16، دسترسی به خدمات اساسی Q17، نحوه ی ارتباط با سایر محلات شهر Q18

مأخذ: (یافته های پژوهش، ۱۳۹۹)



در تحقیق حاضر فرایند تحلیلی تحقیق به شرح شکل شماره ۲ می‌باشد.



شکل ۲. مدل تحلیلی تحقیق

### ۳. یافته‌ها

#### ۳.۱. پایایی شاخص‌های متغیرهای مکنون

پایایی هر یک از شاخص‌های متغیر مکنون، در مدل PLS توسط میزان بارهای عاملی هر شاخص می‌شود. ارزش هر یک از بارهای عاملی شاخص‌های متغیر مکنون مربوطه می‌بایست بزرگتر یا مساوی ۰/۵ باشد. در جدول شماره ۲ میزان بارهای عاملی برای شاخص‌های متغیرهای مکنون تحقیق قابل مشاهده است.

جدول ۲. ارزش بارهای عاملی شاخص‌های متغیرهای مکنون

P-values	F	S	VA	PPP	A	C	R	ICP	متغیر مکنون
									متغیر مشاهده شده
<۰/۰۰۱	۰/۱۸۴	۰/۰۸۸	۰/۳۹۱	۰/۲۱۸	۰/۴۴۹	۰/۳۸۴	۰/۲۴۲	۰/۷۶۱	Q <sub>1</sub>
<۰/۰۰۱	-۰/۱۸۴	-۰/۰۸۸	-۰/۳۹۱	-۰/۲۱۸	-۰/۴۴۹	-۰/۳۸۴	-۰/۲۴۲	۰/۷۶۱	Q <sub>2</sub>
<۰/۰۰۱	۰/۰۸۶	۰/۱۴۵	۰/۳۷۳	۰/۱۱۹	۰/۴۲۶	۰/۱۸۷	۰/۷۲۷	۰/۰۹۶	Q <sub>3</sub>
<۰/۰۰۱	-۰/۰۸۶	-۰/۱۴۵	-۰/۳۷۳	-۰/۱۱۹	-۰/۴۲۶	-۰/۱۸۷	۰/۷۲۷	-۰/۰۹۶	Q <sub>4</sub>
<۰/۰۰۱	۰/۲۷۷	۰/۱۶۳	۰/۲۷۹	-۰/۴۱۱	۰/۳۱۴	۰/۷۴۹	۰/۲۸۵	۰/۱۴۷	Q <sub>5</sub>
<۰/۰۰۱	-۰/۲۷۷	-۰/۱۶۳	-۰/۲۷۹	۰/۴۱۱	-۰/۳۱۴	۰/۷۴۹	-۰/۲۸۵	-۰/۱۴۷	Q <sub>6</sub>
<۰/۰۰۱	۰/۲۶۴	۰/۳۷۲	۰/۱۴۸	۰/۰۵۹	۰/۷۷۲	۰/۳۵۱	۰/۱۴۴	۰/۲۹۲	Q <sub>7</sub>
<۰/۰۰۱	-۰/۲۶۴	-۰/۳۷۲	-۰/۱۴۸	-۰/۰۵۹	۰/۷۷۲	-۰/۳۵۱	-۰/۱۴۴	-۰/۲۹۲	Q <sub>8</sub>
<۰/۰۰۱	۰/۳۷۰	۰/۳۵۱	۰/۲۵۷	۰/۷۵۳	۰/۳۲۹	۰/۲۴۸	۰/۱۶۹	۰/۲۵۴	Q <sub>9</sub>

P-values	F	S	VA	PPP	A	C	R	ICP	متغیر مکنون
									متغیر مشاهده شده
<۰/۰۰۱	-۰/۳۷۰	-۰/۳۵۱	-۰/۲۵۷	۰/۷۵۳	-۰/۳۲۹	-۰/۲۴۸	-۰/۱۶۹	-۰/۲۵۴	Q <sub>10</sub>
<۰/۰۰۱	۰/۰۹۰	۰/۱۴۲	۰/۷۱۱	۰/۱۹۳	۰/۰۸۱	۰/۴۰۲	۰/۳۱۷	۰/۱۱۵	Q <sub>11</sub>
<۰/۰۰۱	-۰/۰۹۰	-۰/۱۴۲	۰/۷۱۱	-۰/۱۹۳	-۰/۰۸۱	-۰/۴۰۲	-۰/۳۱۷	-۰/۱۱۵	Q <sub>12</sub>
<۰/۰۰۱	۰/۲۰۶	۰/۷۳۵	۰/۱۴۵	۰/۳۲۱	۰/۳۱۶	۰/۲۶۴	۰/۱۸۳	۰/۲۴۶	Q <sub>13</sub>
<۰/۰۰۱	-۰/۲۰۶	۰/۷۳۵	-۰/۱۴۵	-۰/۳۲۱	-۰/۳۱۶	-۰/۲۶۴	-۰/۱۸۳	-۰/۲۴۶	Q <sub>14</sub>
<۰/۰۰۱	-۰/۲۰۶	۰/۷۳۵	-۰/۱۴۵	-۰/۳۲۱	-۰/۳۱۶	-۰/۲۶۴	-۰/۱۸۳	-۰/۲۴۶	Q <sub>15</sub>
<۰/۰۰۱	۰/۷۵۹	۰/۲۱۲	۰/۳۰۷	۰/۱۶۶	۰/۱۹۴	۰/۳۱۰	۰/۱۸۸	۰/۰۴۸	Q <sub>16</sub>
<۰/۰۰۱	۰/۷۵۹	-۰/۲۱۲	-۰/۳۰۷	-۰/۱۶۶	-۰/۱۹۴	-۰/۳۱۰	-۰/۱۸۸	-۰/۰۴۸	Q <sub>17</sub>
<۰/۰۰۱	۰/۷۵۹	۰/۲۱۲	۰/۳۰۷	۰/۱۶۶	۰/۱۹۴	۰/۳۱۰	۰/۱۸۸	۰/۰۴۸	Q <sub>18</sub>

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

همان‌طور که در جدول فوق ملاحظه می‌شود تمامی مقادیر سنج‌های مرتبط با متغیر مکنون که پررنگ شده است، بالاتر از ۰/۵ است. بنابراین می‌توان گفت مدل اندازه‌گیری از پایایی کافی در زمینه‌ی شاخص‌های مکنون برخوردار است.

### ۲.۳. پایایی سازه (سازگاری درونی)

برای اندازه‌گیری این پایایی، شاخص پایایی ترکیبی در مدل PLS ارائه می‌شود. این شاخص براساس ضریب آلفای کرونباخ محاسبه می‌شود. مقدار این شاخص باید بزرگتر یا مساوی ۰/۷ باشد. جدول شماره ۳ مقدار پایایی سازه را برای هر یک از متغیرهای مکنون نشان می‌دهد.

جدول ۳. پایایی سازه‌های متغیرهای مکنون

F	S	VA	PPP	A	C	R	ICP	متغیر مکنون
								پایایی سازه
۰/۷۵۴	۰/۷۵۵	۰/۷۶۳	۰/۷۳۵	۰/۷۰۸	۰/۷۴۲	۰/۷۶۱	۰/۷۲۹	پایایی ترکیبی
۰/۷۱۱	۰/۷۸۲	۰/۷۴۴	۰/۷۲۱	۰/۷۸۱	۰/۷۶۹	۰/۷۱۸	۰/۷۴۵	آلفای کرونباخ

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

همان‌طور که مشاهده می‌شود، تمامی مقادیر پایایی ترکیبی، بالاتر از ۰/۷ محاسبه شده است. مقدار آلفای کرونباخ نیز در جدول شماره ۳ نشان داده شده و ملاحظه می‌شود که این ضرایب نیز همگی بالاتر از ۰/۷ هستند، بنابراین مدل اندازه‌گیری از پایایی سازه‌ی مناسبی برخوردار است.

## ۳.۳. روایی همگرا

روایی همگرا در مدل PLS توسط معیار میانگین واریانس استخراج شده (AVE) مورد تحلیل قرار می‌گیرد. در جدول شماره ۴ روایی همگرایی متغیرهای مکنون بیان شده است.

جدول ۴. روایی همگرایی سازه‌های (متغیرهای مکنون)

F	S	VA	PPP	A	C	R	ICP	متغیر مکنون روایی همگرا
۰/۶۸۳	۰/۶۰۹	۰/۵۹۳	۰/۷۳۱	۰/۶۷۵	۰/۸۱۱	۰/۷۲۹	۰/۶۷۴	پایایی ترکیبی

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

با توجه به جدول شماره ۵ تمامی مقادیر میانگین واریانس استخراج شده از ۰/۵ بیشتر بوده و مدل اندازه‌گیری از روایی همگرایی مناسب برخوردار است.

## ۳.۴. روایی افتراقی

برای ارزیابی اعتبار افتراقی باید بررسی شود که آیا میزان میانگین واریانس استخراج شده (AVE) برای یک سازه (متغیر مکنون)، بیشتر از توان دوم همبستگی میان آن سازه و سازه‌های دیگر مدل است یا خیر. در جدول شماره ۵ روایی افتراقی متغیرهای مکنون مورد بررسی قرار گرفته است.

جدول ۴. اعتبار افتراقی سازه‌ها (متغیرهای مکنون)

F	S	VA	PPP	A	C	R	ICP	سازه سازه
۰/۳۶۷	۰/۱۴۷	۰/۲۷۷	۰/۶۱۴	۰/۳۵۴	۰/۰۹۱	۰/۲۵۹	۰/۷۲۹	ICP
۰/۵۱۱	۰/۶۰۲	۰/۱۸۴	۰/۱۶۸	۰/۱۶۲	۰/۱۱۷	۰/۷۱۴	۰/۴۱۷	R
۰/۱۹۳	۰/۰۹۷	۰/۵۲۹	۰/۰۷۱	۰/۲۰۹	۰/۷۶۲	۰/۳۱۱	۰/۲۹۱	C
۰/۴۶۵	۰/۴۵۱	۰/۴۱۲	۰/۳۲۰	۰/۷۵۸	۰/۳۵۷	۰/۱۶۵	۰/۳۱۵	A
۰/۲۴۸	۰/۱۴۴	۰/۳۸۸	۰/۷۳۵	۰/۲۶۱	۰/۳۱۲	۰/۲۴۹	۰/۳۰۹	PPP
۰/۳۷۶	۰/۳۶۳	۰/۷۲۰	۰/۲۱۹	۰/۲۷۷	۰/۴۷۵	۰/۴۸۱	۰/۴۲۱	VA
۰/۱۹۹	۰/۷۶۴	۰/۲۱۵	۰/۲۸۵	۰/۳۲۸	۰/۴۰۷	۰/۳۵۵	۰/۵۰۳	S
۰/۷۳۱	۰/۲۷۲	۰/۳۲۹	۰/۳۷۱	۰/۳۷۴	۰/۲۲۶	۰/۲۶۷	۰/۲۸۰	F

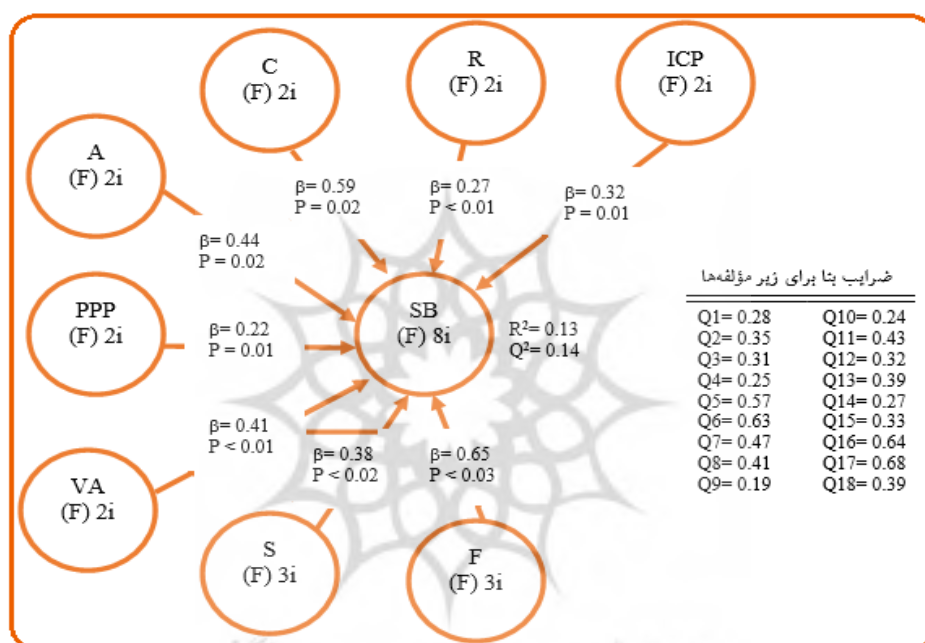
مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

مقادیر قطر اصلی در جدول فوق نشان دهنده‌ی ریشه‌ی دوم AVE و سایر مقادیر نیز نشان دهنده‌ی همبستگی میان سازه‌ها هستند. ملاحظه می‌شود که تمامی سازه‌ها با شرایط مورد نظر مطابقت دارند بنابراین می‌توان بیان کرد که

سازه‌ها از اعتبار افتراقی برخوردارند. همان‌گونه که در جدول شماره ۸ مشخص است، عناصر روی قطر اصلی دارای مقادیری بیشتری نسبت دیگر مقادیر هستند.

۵.۳. تحلیل مدل ساختاری

در شکل ۴ که تحلیل مدل ساختاری را نشان می‌دهد، ضرایب هر یک از مسیرها به نمایش درآمده است. هر یک از ضرایب در صورتی قابل قبول است که مقدار P-values آن کمتر از ۰/۰۵ باشد. همچنین جدول شماره ۸، P-values مربوط به هر یک از مسیرها را ارائه داده است.



شکل ۳. مدل ساختاری تحقیق

جدول ۵. معناداری ضرایب مسیر

نتیجه	P-values	ضریب مسیر	مسیر
تایید	۰/۰۱۱	۰/۳۲۲	SB ← ICP
تایید	۰/۰۰۵	۰/۲۷۱	SB ← R
تایید	۰/۰۲۳	۰/۵۹۴	SB ← C
تایید	۰/۰۲۱	۰/۴۴۳	SB ← A
تایید	۰/۰۱۲	۰/۲۲۳	SB ← PPP
تایید	۰/۰۰۷	۰/۴۰۹	SB ← VA
تایید	۰/۰۱۸	۰/۳۷۸	SB ← S
تایید	۰/۰۳۱	۰/۶۵۱	SB ← F

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

جدول شماره ۶ مقدار تأثیر‌گذاری متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته را نشان می‌دهد، همانطوری که قابل مشاهده است، اثرگذاری متغیرهای مورد بررسی معنی‌دار بودن رابطه‌ی بین مؤلفه‌ها و حس تعلق مکانی را در سطح اطمینان ۹۵ درصد مورد تأیید قرار می‌دهد. همچنین همگی ۸ مورد از مؤلفه‌های مورد بررسی رابطه‌ی معنی‌داری با حس تعلق مکانی در سطح اطمینان ۹۵ درصد دارند که در بین مؤلفه‌های مورد بررسی، بیشترین تأثیرگذاری بر حس تعلق مکانی مربوط به مؤلفه‌های انعطاف‌پذیری (F)، آسایش (C) و جذابیت (A) می‌باشد که به ترتیب ضرایب استخراج شده براساس مدل ساختاری تحقیق برای هر کدام ۰/۶۵، ۰/۵۹ و ۰/۴۴ بوده است. همچنین در بین مؤلفه‌های فرعی نیز بیشترین تأثیرگذاری بر حس تعلق مکانی در محله‌ی مورد بررسی مربوط به دسترسی به خدمات اساسی، ترکیب فضاها و عملکردهای متنوع و ایمنی و امنیت به ترتیب با ارزش ۰/۶۸، ۰/۶۴ و ۰/۶۳ می‌باشند. از طرفی نتایج حاکی از آن است که در محله‌ی مورد مطالعه مؤلفه‌های تبیین‌کننده‌ی حس تعلق مکانی در وهله‌ی اول تعلق کارکردی (انعطاف‌پذیری، آسایش، جذابیت)، در وهله‌ی دوم تعلق حسی و عاطفی (سیمای بصری، اجتماع‌پذیری) و در وهله‌ی سوم تعلق مفهومی (هویت و شخصیت مکان، خوانایی، قابلیت ادراک و تصور مکان) می‌باشد.

همچنین قدرت پیش‌بینی مدل طراحی شده با استفاده از مقدار ضریب، برای متغیرهای وابسته تحلیل می‌شود، مقادیر بزرگتر یا مساوی ۰/۱ را برای ضریب تعیین قید کرده‌اند. با توجه به جدول شماره ۷ می‌توان نتیجه گرفت که مدل ساختاری تحقیق حاضر از قدرت کافی برخوردار است در این مدل ۱۲/۸ درصد از واریانس حس تعلق مکانی را متغیرهای وارد شونده بر آن توجیه می‌کند.

جدول ۶. ضرایب تعیین متغیرهای وابسته

R <sup>2</sup>	شاخص متغیرهای وابسته
۰/۱۲۸	SB

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

براساس آزمون استون-گیسر نیز، چون مقادیر آزمون گیسر بالاتر از صفر محاسبه شده است نشان می‌دهد که مدل در نظر گرفته شده، ظرفیت و توان پیش‌بینی لازم را دارد. ضریب آزمون استون-گیسر برای متغیر حس تعلق مکانی برابر با ۰/۱۳۹ می‌باشد.

جدول ۷. آزمون استون-گیسر

Q <sup>2</sup>	شاخص متغیرهای وابسته
۰/۱۳۹	SB

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

### ۶.۳. تأثیر قدمت سکونت و مالکیت مسکن بر حس تعلق مکانی

در این قسمت از تحقیق رابطه‌ی بین قدمت سکونت ساکنان و مالکیت مسکن در محله‌ی یاغچیان با حس تعلق مکانی مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج براساس آزمون پیرسون حاکی از آن است که در سطح اطمینان ۹۹ درصد رابطه‌ی معناداری بین قدمت سکونت و حس تعلق مکانی در ساکنان محله وجود دارد. همچنین رابطه‌ی بین مالکیت مسکن و حس تعلق مکانی نیز در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار می‌باشد.

#### جدول ۸. بررسی تأثیر قدمت سکونت و مالکیت مسکن با حس تعلق مکانی

متغیرهای مستقل	آزمون	حس تعلق مکانی
قدمت سکونت	Pearson Correlation	۰/۷۵۳
	Sig	۰/۰۰۰
مالکیت مسکن	Pearson Correlation	۰/۵۶۱
	Sig	۰/۰۲۵

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

با توجه به نتایج مستخرج می‌توان این چنین بیان کرد که حس تعلق مکانی در محله‌ی یاغچیان به ترتیب ناشی از تعلق کارکردی، عاطفی و مفهومی می‌باشد و قدمت سکونت و مالکیت مسکن بر افزایش این حس تأثیرات معناداری داشته‌اند. همچنین وضعیت مؤلفه‌های تبیین‌کننده‌ی حس تعلق مکانی در محله‌ی یاغچیان به شرح زیر می‌باشد:

اجتماع‌پذیری و تعاملات اجتماعی: در محله‌ی یاغچیان وجود تراکم جمعیتی و ساختمانی بسیار زیاد، باعث تمرکز بیش از حد افراد ساکن در محله با ویژگی‌های مختلف اجتماعی-فرهنگی گردیده که این امر موجب عدم سوق یافتن افراد به برقراری تعاملات اجتماعی در سطح محله شده است.

دسترسی به خدمات: در محله‌ی یاغچیان اکثر خدمات در دسترس می‌باشند و این امر موجب افزایش رضایت ساکنین از این مؤلفه گردیده است.

قدمت سکونت و مالکیت مسکن: در محله‌ی یاغچیان که قدمت سکونت پایین بوده؛ مالکیت مسکن نقش تعیین‌کننده‌ای در افزایش حس تعلق مکانی داشته است. همچنین دلیل عدم حس تعلق مکانی در اکثر ساکنان این محله به علت اجاره‌ای بودن مسکن و جابجایی‌های مستمر بوده است.

تداعی خاطرات: تداعی خاطرات رابطه‌ی مستقیمی با قدمت سکونت دارد و با توجه به نوبنیاد بودن محله این معیار قابلیت تحقق‌پذیری محدودی دارد.

مرکز محله: در محله‌ی یاغچیان مرکز محله دیده نمی‌شود و این امر ناشی از توجه بیش از حد به ارزش‌های مادی (افزایش تراکم و کسب سود) از یک سو و همچنین ساختار خطی و پیوسته‌ی ساخت‌وسازها از سوی دیگر می‌باشد.

آشنایی و حس راحتی در محله: وجود نمادهای متغیر همچون عناصر تجاری و خدماتی در محله از یک‌سو و تغییرات فراوان در ساختار کالبدی آن از سوی دیگر موجب کاهش حس آشنایی محلات گردیده است.

#### ۴. بحث

با توجه به اهمیت بحث حس تعلق مکانی در سطح محلات و نقش آن در پیشرفت محله، هدف از تحقیق حاضر ارزیابی عوامل تبیین‌کننده حس تعلق مکانی در محلات نوبنیاد تبریز (محله‌ی یاغچیان) می‌باشد. براساس نتایج مستخرج می‌توان عنوان کرد که همه‌ی ۸ مورد از مؤلفه‌های مورد بررسی رابطه‌ی معنی‌داری با حس تعلق مکانی در سطح اطمینان ۹۵ درصد دارند که در بین مؤلفه‌های مورد بررسی، بیشترین تأثیرگذاری بر حس تعلق مکانی مربوط به مؤلفه‌های انعطاف‌پذیری (F)، آسایش (C) و جذابیت (A) می‌باشد که به ترتیب ضرایب استخراج شده براساس مدل ساختاری تحقیق برای هر کدام ۰/۶۵، ۰/۵۹ و ۰/۴۴ بوده است. همچنین در بین مؤلفه‌های فرعی نیز بیشترین تأثیرگذاری بر حس تعلق مکانی در محله‌ی مورد بررسی مربوط به دسترسی به خدمات اساسی، ترکیب فضاها و عملکردهای متنوع و ایمنی و امنیت به ترتیب با ارزش ۰/۶۸، ۰/۶۴ و ۰/۶۳ می‌باشند. از طرفی نتایج حاکی از آن است که در محله‌ی مورد مطالعه مؤلفه‌های تبیین‌کننده حس تعلق مکانی در وهله‌ی اول تعلق کارکردی (انعطاف‌پذیری، آسایش، جذابیت)، در وهله‌ی دوم تعلق حسی و عاطفی (سیمای بصری، اجتماع‌پذیری) و در وهله‌ی سوم تعلق مفهومی (هویت و شخصیت مکان، خوانایی، قابلیت ادراک و تصور مکان) می‌باشد.

همچنین قدرت پیش‌بینی مدل طراحی شده با استفاده از مقدار ضریب، برای متغیرهای وابسته تحلیل می‌شود، مقادیر بزرگتر یا مساوی ۰/۱ را برای ضریب تعیین قید کرده‌اند. پس براساس نتایج بدست آمده روشن شد که محله نوبنیاد یاغچیان با مولفه‌های حس تعلق به مکان شکل نگرفته است. دلیل این امر را می‌توان در طراحی نامناسب محلات نوبنیاد شهری همچون محله‌ی یاغچیان بر مبنای عناصر هویت‌ساز مانند انطباق با بافت و زمینه، انطباق با الگوهای کهن و سنتی و انطباق با فرم و عملکرد دانست. در محله‌ی یاغچیان چیدمان فضایی عناصر و کارکردها به‌نحوی است که تأکید بر پیاده‌روی به‌عنوان بستری برای شکل‌گیری تعاملات اجتماعی به‌صورت محدود نمایان است و عبور و مرور اکثر به‌وسیله‌ی وسایل نقلیه صورت می‌گیرد. از طرفی شکل‌گیری عناصری مانند پارک آبی و پارک موزه‌ی شمیم پایداری به‌عنوان نماد محله باعث متمایز بودن محله گردیده است، با این حال کارکرد شهری و هرزگاهی منطقه‌ای این عناصر موجب عبور و مرور افراد زیادی به سطح محله گردیده که در اکثر مواقع باعث کاهش حس تعلق مکانی در ساکنان محله شده است. همچنین افزایش تراکم ساختمانی و به‌تبع آن افزایش جمعیت با ویژگی‌های فرهنگی-اجتماعی متفاوت و شکل‌گیری مسکن با معماری مشابه و متکی بر ارزش‌های اقتصادی از عوامل تأثیرگذار بر کاهش حس تعلق مکانی در محله‌ی یاغچیان می‌باشد. در این راستا بایستی در طراحی محلات نوبنیاد به ویژگی‌های خاص مکان و به‌کارگیری آنها در طراحی معاصر، توجه داشت و به صراحت، تداوم ارزش‌های کالبدی و غیرکالبدی مکان با زمینه‌ی موجود را مدنظر قرار داد.

در بررسی تطبیقی محتوای پژوهش حاضر با پیشینه‌ی مطالعاتی نیز می‌توان گفت که از نظر اهداف، پژوهش حاضر هم راستا با مطالعات دانش پایه و حبیب (۱۳۹۶) و سنفورد (۲۰۱۳) و تا حدودی مطالعات بزی و همکاران (۱۳۹۳) و عنانهاد و همکاران (۱۳۹۸) می‌باشد، که بافت‌های جدید شهری را مورد بررسی قرار داده‌اند. از منظر نتایج نیز تأثیر مؤلفه‌هایی همچون دسترسی به خدمات، مالکیت مسکن، تعاملات اجتماعی، ارزش‌های سنتی و... بر ارتقای حس تعلق مکانی در پژوهش حاضر با مطالعات ذکر شده در بالا مورد تأیید قرار گرفته است. با این حال تلفیق مؤلفه‌ها در سه معیار تعلق مفهومی، تعلق عاطفی و تعلق کارکردی و سنجش تأثیرگذاری آنها بر حس تعلق مکانی تفاوت تحقیق حاضر با مطالعات بصیری، زینالی عظیم و آذر (۱۳۹۹)، یزدانی و همکارانش (۱۳۹۸) می‌باشد.

### ۵. نتیجه گیری

براساس نتایج مستخرج می‌توان عنوان کرد که همی ۸ مورد از مؤلفه‌های مورد بررسی رابطه‌ی معنی‌داری با حس تعلق مکانی در سطح اطمینان ۹۵ درصد دارند که در بین مؤلفه‌های مورد بررسی، بیشترین تأثیرگذاری بر حس تعلق مکانی مربوط به مؤلفه‌های انعطاف‌پذیری (F)، آسایش (C) و جذابیت (A) می‌باشد که به ترتیب ضرایب استخراج شده براساس مدل ساختاری تحقیق برای هر کدام ۰/۶۵، ۰/۵۹ و ۰/۴۴ بوده است. همچنین در بین مؤلفه‌های فرعی نیز بیشترین تأثیرگذاری بر حس تعلق مکانی در محله‌ی مورد بررسی مربوط به دسترسی به خدمات اساسی، ترکیب فضاها و عملکردهای متنوع و ایمنی و امنیت به ترتیب با ارزش ۰/۶۸، ۰/۶۴ و ۰/۶۳ می‌باشند. در نهایت، با توجه به نتایج مستخرج و ضعف شاخصه‌های بیان‌کننده‌ی حس تعلق مکانی در محله‌ی یاغچیان و تأکید بیش از اندازه به مؤلفه‌های کارکردی، می‌توان راهکارهای زیر را در راستای دست‌یابی به حس تعلق مکانی در محله‌ی مورد بررسی و توسعه‌ی آن ارائه کرد:

≠ در محله‌ی یاغچیان وجود خیابان‌های بسیار و تأکید بر نقش وسایل نقلیه موجب کاهش نقش پیاده‌رو گردیده و تعاملات اجتماعی را کاهش داده است. از این‌رو ضروری است بر مبنای نظریات نوین شهرسازی، با کاهش تردد وسایل نقلیه در بطن محله یاغچیان و تأکید بر پیاده‌روی ضمن کاهش آلودگی‌های زیست‌محیطی، بستری برای افزایش تعاملات اجتماعی در محله یاغچیان ایجاد گردد.

≠ عدم وجود مرکز محله و نمادها و نشانه‌های متمایز در محله یاغچیان موجب یکنواختی بصری در ساکنان گردیده و عدم حس تعلق مکانی در ساکنان را دامن زده است.

≠ مساکن با معماری مشابه فضایی یکنواخت و بی‌روح را در محله یاغچیان ایجاد کرده اند، بنابراین ضروری است با طراحی‌های متنوع نما و استفاده بیشتر از رنگ‌ها از یکنواختی و بی‌روحي کالبدی محله یاغچیان جلوگیری گردد.



≠ طراحی ورودی محله یاغچیان در راستای مشخص کردن حدود محله و افزایش حس تمایز آن با محلات مجاور ضروری است؛ با توجه به اینکه ورودی محله از طرف مرکز شهر مشخص نبوده و ادغام با محلات مجاور موجب کاهش حس تعلق مکانی محله گردیده است.

≠ نظارت کلان بر ساخت‌وسازهای جدید محله یاغچیان در راستای انطباق با زمینه و هویت محلات همجوار در جهت تحکیم هویت پایدار و در عین حال حفظ شاخصه‌های منحصر بفرد محله یاغچیان تبریز.

### کتاب‌نامه

۱. آذری، ن. (۱۳۸۹). شرحی بر مفهوم محله و تغییرات محله‌ای. جستارهای شهرسازی، ۹(۳۴)، ۳۷-۴۴.
۲. بزی، خ.، میرزاپور، س.، و افراسیابی راد، م. ص. (۱۳۹۳). بررسی مقایسه‌ای حس تعلق به مکان در محلات شهر خرم‌آباد. معماری و شهرسازی پایدار، ۲(۲)، ۱-۱۳.
۳. بصیری، م.، زینالی عظیم، ع.، آذر، ع. (۱۳۹۹). تحلیل عوامل و مولفه‌های حس تعلق به مکان در محلات قدیمی شهر تبریز (نمونه موردی محله اهراب تبریز). دانش شهرسازی، انتشار آنلاین از ۲۷ اسفند ۱۳۹۹.
۴. حاتمی گلزاری، ا.، میرزا کوچک خوشنویس، ا.، بایزیدی، ق.، و حبیبی، ف. (۱۳۹۹). بررسی کیفی ماندگاری معماری مجموعه‌ی بازار تبریز از منظر پدیدارشناسی. اندیشه‌ی معماری، ۴(۷)، ۱۷۲-۱۸۸.
۵. حسین‌آبادی، س.، سلمانی مقدم، م.، و نوری دشتبان، م. (۱۳۹۸). هویت مکانی و عوامل مؤثر بر آن در محلات قدیمی نمونه‌ی مطالعه: محله‌ی کلاه‌فرنگی سبزوار. برنامه‌ریزی فضایی، ۹(۳۴)، ۸۹-۱۱۰.
۶. دانش‌پایه، ن.، و حبیب، ف. (۱۳۹۶). معیارهای اصلی شکل‌گیری حس مکان در پهنه‌های توسعه‌ی جدید شهری، مطالعه موردی: منطقه ۲۲ و ۴ شهرداری تهران. مطالعات شهری، ۶(۲۵)، ۱۷-۳۰.
۷. ربانی، ر. (۱۳۹۷). جامعه‌شناسی شهری. تهران: انتشارات سمت.
۸. سرمست، ب. (۱۳۸۹). بررسی و تحلیل نقش «مقیاس شهر» در میزان حس تعلق به مکان (مطالعه موردی: شهر تهران). مدیریت شهری، ۱(۲۶)، ۱۴۶-۱۳۳.
۹. عزیزی، م. م. (۱۳۸۵). محله‌ی مسکونی پایدار: مطالعه موردی نارمک. هنرهای زیبا، ۲۷، ۳۵-۴۶.
۱۰. عنانهاد، م.، غلامعلی‌زاده، ح.، و اسدی ملک‌جهان، ف. (۱۳۹۸). سنجش حس تعلق به مکان و حفظ هویت واحدهای مسکونی در محله‌ی شهری، مطالعه موردی: محله‌ی قدیمی ساغریسازان رشت. پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری، ۱۰(۱)، ۷۳-۸۸.
۱۱. قاسمی، و.، و نگینی، س. (۱۳۸۹). بررسی تأثیر بافت محلات بر هویت اجتماعی، با تأکید بر هویت محله‌ای در شهر اصفهان. مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، ۲(۷)، ۱۳۶-۱۱۳.
۱۲. کاملی، م.، و عظمتی، ح. (۱۴۰۰). بررسی میزان ارتباط حس تعلق به مکان و سطح امنیت اجتماعی شهروندان، مطالعه موردی: شهر قم. تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ۲۱(۶۱)، ۲۵۸-۲۴۱.

۱۳. مظلومی، س. م. (۱۳۸۹). تأثیرپذیری ابعاد حس مکان از ادراکات ذهنی در محله‌های مسکونی شهری. پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۱(۳)، ۱۵۰-۱۳۱.
۱۴. میرزامحمدی، ا.، باقرزاده کثیری، ش.، و زینالی عظیم، ع. (۱۳۹۸). تحلیل طراحی و معماری مجتمع مسکونی پایدار با تأکید بر روان شناسی محیطی از بعد حس تعلق به مکان (مطالعه موردی: برج های آسمان تبریز). اندیشه معماری، ۴(۸)، ۱۰۵-۱۱۹.
۱۵. یزدانی، م.، علیپور، ا.، و محمودی، الف. (۱۳۹۸). بررسی و تحلیل هویت محلات شهری با تأکید بر حس تعلق به مکان (مورد مطالعه: محلات سیزدهگانه حاشیه شهر اردبیل). جامعه شناسی نهادهای اجتماعی، ۶(۱۴)، ۳۹-۹.
16. Amin, A. (2004). Regions Unbound: Towards a New Politics of Place. Special Issue: The Political Challenge of Relational Space. *Geografiska Annaler, Series B: Human Geography*, 86(1), 33-44.
17. Betzenhauser, A., & Pauketat, T. R. (2019). 9 Elements of Cahokian Neighborhoods. *Archeological Papers of the American Anthropological Association*, 30(1), 133-147.
18. Cohen, N. (2017). Moving Places: Relations, Return and Belonging. *Emotion, Space and Society*, 25, 1-2.
19. Gorgul, E., Luo, L., Wei, S. D., & Pei, C. (2017). Sense of place or sense of belonging? Developing guidelines for human-centered outdoor spaces in China that citizens can be proud of. *Procedia Engineering*, 198, 517 - 524.
20. Henseler, J., Ringle, C. M., & Sinkovics, R. R. (2009). The use of partial least squares path modeling in international marketing. *Advances in International Marketing*, 20, 277-320.
21. King, R. (1995). *Migrations, globalisation and place*. In: Massey, D., Jess, P. (Eds.), *A Place in the World? Places, Cultures and Globalization*. Milton Keynes: Open University Press.
22. Lee, T. H., & Shen, Y. L. (2013). The Influence of Leisure Involvement and Place Attachment on Destination Loyalty: Evidence from Recreationists Walking Their Dogs in Urban Parks. *Journal of Environmental Psychology*, 33(3), 76- 85.
23. Lewicka, M. (2011). Place attachment: How far have we come in the last 40 years? *Journal of Environmental Psychology*, 31, 207-230.
24. Mace, A., Tewdwr-Jones, M., (2017). Neighborhood planning, participation and rational choice. *Journal of Planning Education and Research*, 1-33.
25. Madgin, R., Bradley, L., & Annette H. (2016). Connecting Physical and Social Dimensions of Place Attachment: What Can We Learn from Attachment to Urban Recreational Spaces? *Journal of Housing and the Built Environment*, 31(4), 677-693.
26. Massey, D. (2004). Geographies of Responsibility. *Geografiska Annaler, Series B: Human Geography*, 86(1), 5-18.
27. Mitchell, D. (1996). Introduction: Public space and the city. *Urban Geography*, 17(2), 127-131.
28. Noble, G., & Poynting, S. (2010). White Lines: The Intercultural Politics of Everyday Movement in Social Spaces. *Journal of Intercultural Studies*, 31(5), 489-505.
29. Qazimi, S. (2014). Sense of place and place identity. *European Journal of Social Sciences Education and Research*, 1(1), 306-310.
30. Radice, M. (2016). Unpacking Intercultural Conviviality in Multiethnic Commercial Streets. *Journal of Intercultural Studies*, 37(5), 432-448.
31. Relph, E. (1976). *Place and Placelessness*. London: Pion.

32. Relph, E. (2009). A Pragmatic Sense of Place. *Environmental & Architectural Phenomenology*, Kansas State University, *Architecture Department*, 20(6), 8-19.
33. Sandford, R. (2013). Located futures: Recognising place and belonging in narratives of the future. *International Journal of Educational Research*, 61, 116-125.
34. Savage, M., Bagnall, G., & Longhurst, B. (2005). *Globalization and Belonging*. London: Sage.
35. Serra Coch, G. (2019). *Neighborhood Mapping and Neighborhood Planning*. Columbia: Thesis Master of Science in Urban Planning, the Faculty of Architecture and Planning Columbia University.
36. Vertovec, S. (2009). *Transnationalism*. London: Routledge.
37. Wan, X. (2014). Wan China's urbanisation, social restructure. Retrieved from <https://cdn.auckland.ac.nz/assets/arts/documents/Wan%20%20China%27s%20urbanisation,%20social%20restructure.pdf>.
38. Watson, S. (2006). *City Publics: The (Dis) Enchantments of Urban Encounters*. London: Routledge.
39. Wilson, F. F. (2016). On Geography and Encounter: Bodies, Borders and Difference. *Progress in Human Geography*, 1-21.

